



قالیاف:

در شرایط کنونی فرصت‌ها به تهدید تبدیل شده‌اند

گروه سیاست: رئیس مجلس شورای اسلامی پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف را در گرو خداآوری و مردم‌محوری دانست و با انتقاد از کاهش افسارگسیخته ارزش پول ملی تأکید کرد: وقتی کاهش ارزش پول ملی لجام‌گسیخته است...

صفحه ۳

شنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۹ • ۱۵ صفر ۱۴۴۲ • ۱۲ اکتبر ۲۰۲۰

تیترا

۱۴۰۰ با خانم رئیس‌جمهور

صفحه ۲

رقابت ناعادلانه افزایش حقوق و هزینه‌های زندگی

صفحه ۵

هشدار هاشمی

صفحه ۹

تست کرونای ترامپ و همسرش مثبت شد

صفحه ۸

داعش، طارمی و...

پرسپولیس - النصر، فقط یک بازی فوتبالی نیست

صفحه ۱۱

نه ارمنستان نه آذربایجان

امام جمعه تبریز: جوانان آذربایجانی باید خودشان از تمامیت ارضی و مرزهای کشور خود دفاع کنند

صفحه ۲

حرف اول

آن روی سکه منظره ترامپ-بایدن

احمد عظیمی باوریان - استاد پیشین مریلند



رأی‌دهندگان در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا را می‌توان به سه گروه تفکیک کرد: گروه نخست از دو حزب رسمی آمریکا -دموکرات و جمهوری‌خواه-

هستند که سرنوشت انتخابات را در دست دارند و تصمیم خود را برای انتخابات گرفته‌اند. هریک از این دو گروه حدود ۳۵ درصد کل رأی‌دهندگان از هریک از دو حزب را تشکیل می‌دهند. این دو گروه برای رأی‌دادن نیازی به تبلیغات و تماشای منظره میان‌کاندیداها ندارند. گروه دوم کسانی هستند که رأی می‌دهند اما به هر دلیلی دودل شده‌اند و تصمیم نهایی برای انتخاب نامزد مطلوب خود را هنوز نگرفته‌اند. این گروه حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد رأی انتخاباتی را در اختیار دارند و مستری اصلی منظره انتخاباتی هستند. گروه سوم شهروندان واجد شرایط رأی‌دهندگی هستند که معمولاً در انتخابات شرکت نمی‌کنند، مگر اینکه تحت تأثیر جنگسال مبارزات انتخاباتی -از جمله منظره‌های نامزدها- قرار بگیرند و برای رأی‌دادن به هیجان درآیند. مجموع رأی این گروه‌ها سرنوشت انتخابات را رقم می‌زند؛ اما برخلاف انتخابات ریاست‌جمهوری در کشورهایی مانند ایران و فرانسه، در انتخابات آمریکا رأی اکثریت تعیین‌کننده نتیجه انتخابات نیست. سیستم انتخابات آمریکا دو مرحله‌ای است: نخست، رأی‌دهندگان در هر ایالت به کاندیدایی مورد نظر خود رأی می‌دهند و هرکسی که برنده اکثریت آرا در آن ایالت شود، تعداد آرای انتخاباتی آن ایالت را از آن خود می‌کند. هرچه ایالتی پرجمعیت‌تر باشد، تعداد اعضای آرای هیئت‌های انتخاباتی آن نیز بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر ایالات پرجمعیت‌تر وزن بیشتری در انتخابات دارند. اما ایالات کوچک‌تر کاملاً از صحنه بازی حذف نمی‌شوند. مجموع آرای انتخاباتی ایالات است که رئیس‌جمهور منتخب را مشخص می‌کند؛ نامزدی که تا ۲۷۰ رأی هیئت انتخاباتی به دست آورد، رئیس‌جمهور آمریکا قلمداد خواهد شد. هنوز برای رسیدن به جمع‌بندی نهایی به تعیین تکلیف آرای موسوم به «الکتورال کالج» یا «مجمع گزینندگان» نیاز است. مفهوم «مجمع گزینندگان» این است که ایالات متحده در آمریکا هریک استقلال درونی خود را دارند و وزن یک ایالت کم‌جمعیت با یک ایالت پرجمعیت در انتخابات سراسری مساوی است، درحالی‌که مجموع آرای مردمی یک ایالت کوچک از یک ایالت پرجمعیت‌تر کمتر است.

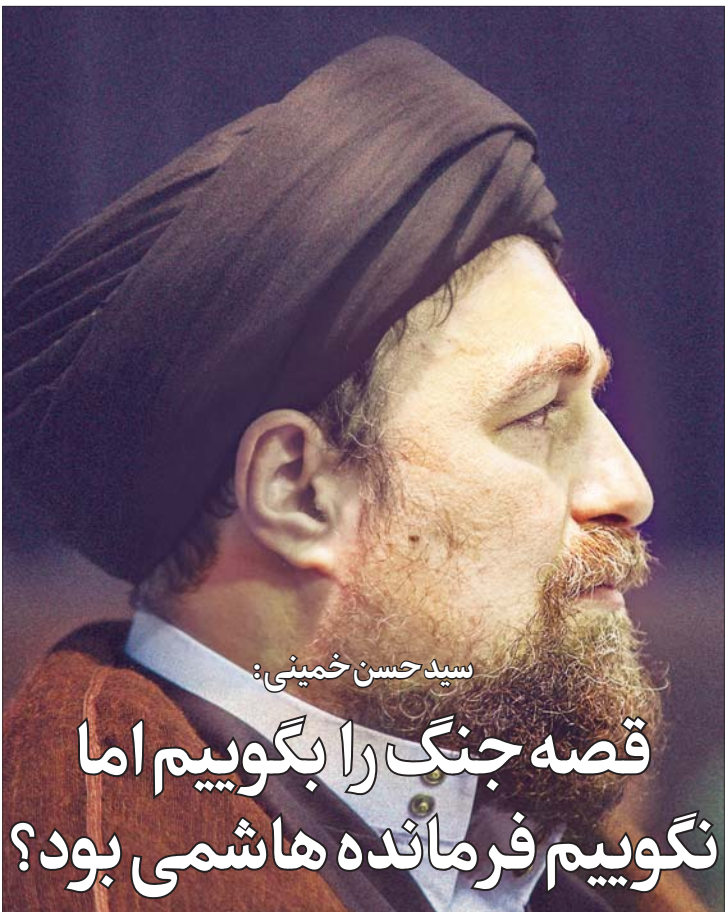
ادامه در صفحه ۴



داستان تکراری لغو پروازها به ترکیه

بلیت‌های نجومی در راه است؟

صفحه ۵



سید حسن خمینی:

قصه جنگ را بگوییم اما نگوییم فرمانده هاشمی بود؟

صفحه ۲

عکس: سپهر تاک، شرق

یادداشت

غم نان و نابرابری سیاسی و اقتصادی



نامر زاکری کارشناس اقتصادی

سیاسی خود و رفتار براساس این باورها نباشند، مثلاً چهره‌های سیاسی مورد اعتمادشان اجازه شرکت در انتخابات نداشته باشند و آنان مجبور شوند یا با بی‌میلی به یکی از افراد مجاز رای بدهند یا از حشاشن برای تعیین سرنوشت خود و جامعه صرف‌نظر کنند. در چنین شرایطی نابرابری سیاسی بین دو گروه از شهروندان شکل خواهد گرفت: گروهی از شهروندان نسبت به گروه دیگر توان بیشتری در میدان تعیین سرنوشت جامعه پیدا می‌کنند. بروز این نابرابری در جامعه بهترین شرایط را برای شکل‌گیری نوع خاصی از نابرابری اقتصادی فراهم می‌کند. فرصت‌های شغلی مرغوب و حتی کم‌مرغوب در اختیار گروه اول قرار خواهد گرفت و آنان تلاش می‌کنند مجوزهای بهره‌برداری از منابع طبیعی، امکان استفاده از تسهیلات بانکی ارزان‌قیمت و امکان استفاده از انواع رانت‌های پیدا و پنهان را نیز در اختیار بگیرند. در نتیجه در سال‌های آتی این وضعیت می‌تواند شکل بگیرد که هرچند سهم فلان جریان از صندوق‌های آرا مثلاً به ۱۰ درصد هم نمی‌رسد، اما بخش عظیم کرسی‌های تدریس دانشگاه‌ها، مشاغل رده‌بالا و حتی فرصت‌های کسب سود را به خود و هواداران کم‌شمار خود تخصیص داده است. اگر دنبال شاخصی برای سنجش میزان نابرابری سیاسی در جامعه باشیم، باید نحوه توزیع فرصت‌های آموزشی، بورس‌های تحصیلی، رانت برخورداری از منابع عمومی برای تبلیغ سلیقه سیاسی خاص و... را مورد توجه قرار بدهیم. شکل‌گیری نابرابری سیاسی، هرچند به‌ظاهر ربطی به نابرابری اقتصادی ندارد و حتی ممکن است با شعار محقق‌کردن برابری اقتصادی و مبارزه با رانت‌خواری اتفاق بیفتد، اما درنهایت خواه‌ناخواه منتهی به نابرابری اقتصادی بسیار بی‌رحمانه‌ای خواهد شد. برای روشن‌شدن موضوع توضیح بیشتری لازم است. ممکن است مناسبات اقتصادی حاکم بر جامعه به‌گونه‌ای باشد که سهم صاحبان مهارت و دانش فنی نسبت به کارگران غیرماهر بیش از حد فریه باشد یا صاحبان سرمایه در مقایسه با نیروی کار سهم به‌مراتب بزرگ‌تری از کیک تولید را به خود اختصاص بدهند یا حتی سرمایه‌های فعال در بخش توزیع کالا یا دلالتی و واسطه‌گری بیشتر از سرمایه‌های فعال در بخش تولید بازدهی داشته باشند؛ همه این وضعیت‌ها منتهی به تشدید نابرابری اقتصادی در جامعه و در نهایت تعمیق توسعه‌نیافتگی خواهد شد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

قاب منظره آمریکایی



محمدجواد لسانی کارشناس رسانه

سرگرمی یا جشن تولد نوزاد بیندازند! و بیشتر از خود افراد این وسایل اضافی انباشته شده بودند که چشم را مشغول خود می‌کردند. اشتباه اصلی و بنیادی یک تهیه‌کننده تلویزیونی برای یک منظره آنجاست که به جای تأکید بر شخصیت‌های دعوت‌شده، تمرکزش روی آکسسوارها یا همان اسباب کار باشد؛ یعنی به جای آنکه نامزدها رودرروی هم بایستند و یک رقابت نفس‌گیر را رقم بزنند، آنها را در پشت سنگرهای چهارگوش خود پنهان کنند تا از دور صدایی بلند کنند یا به نوعی سنگ‌پرانی کنند! درحالی‌که برای یک منظره بیش از هر چیزی تمرکز بر «فرهنگ ارتباط انسانی» است که اهمیت پیدا می‌کند. به عبارت روشن هر کدام از شخصیت‌ها باید مطالعه قبلی شوند که با چه برنامه و بستر فکری تعریف‌شده‌ای می‌خواهند از خود دفاع کنند. وظیفه محیط استودیو این است که این مجال تصویری را برای هرکدام‌شان رنگ آمیزی و میزانشن یا زیان حرکتی برایشان تعریف کند. نبود افراد متخصص در جایگاه درست خود، نداشتن خلاقیت برنامه را لحظه به لحظه بالا ببرد. این منظره، در شش محور طراحی شده بود تا دو نامزد در ابتدا از پیشینه خود دفاع کنند. همچنین درباره دیوان عالی آمریکا، نوع مبارزه با ویروس کرونا، راه‌های بالندگی اقتصاد، شیوه برخورد با اعتراضات نژادی در شهرها و تضمین سلامت انتخابات، نظرات خود را شفاف مطرح کنند. آنچه در بالا گفته شد محتوای منظره آمریکایی بود. باید دید شکل طراحی این منظره چگونه بود؟ مسئله‌ای که به‌طور معمول در منظراتی چنین با اهمیت در ایران، کمتر به آن توجه می‌شود و چیزی که بیشتر به چشم می‌خورد، ساکن‌بودن و کوچک‌شدن کاندیداهاست که در پشت میزهای خود فرو رفته‌اند و بسان اجزای دیگر صحنه جای گرفته‌اند. البته در منظره ۹۶ نکته خوبی مشاهده شد که هر نامزد ریاست‌جمهوری به سمت یک تریبون فاضل‌دار حرکت می‌کرد تا در آنجا برنامه خود را بیان کند اما این کافی نبود. طراحی صحنه آن قدر مهم است که اگر دست‌کم گرفته شود، اشتباهات مضحکی در روند برنامه پدید می‌آورد و نتیجه‌ای جز عصبانی‌کردن بینندگان ندارد. به عنوان نمونه می‌توان به دو شاخص تعیین‌کننده اشاره کرد: نخست، شیوه نورپردازی و دوم رنگ برای دکور برنامه. این دو عامل برای جذابیت برنامه نقشی اساسی ایفا می‌کنند. اما این دو عامل مهم آن چنان که شایسته باشد در دوره پیش دیده نشد. در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری کشور در سال ۱۳۹۶ در رسانه ملی اتفاقات، بیشتر خام‌دستانه بود. امید می‌رود که دیگر برای این دوره تکرار نشود. متأسفانه آنچه در آن سال مشاهده شد، فضای یک‌دست سفید و تقریباً کودک‌پسند بود با خطوط و چراغ‌هایی که روشن می‌شدند تا مشاهده‌گر را به یاد مسابقه‌های

ادامه در صفحه ۲

محمدرضا عارف:

ارکان حاکمیت خود را ملزم به رعایت حقوق شهروندی بدانند

گروه سیاست: رئیس بنیاد امید ایرانیان در نشست مشترک هیئت‌مدیره بنیاد امید ایرانیان با رؤسای استانی این بنیاد که به‌صورت ویدئوکنفرانس برگزار شد، با اشاره به هفته دفاع مقدس و گرامیداشت یاد و خاطره شهدای...

صفحه ۳

سال هجدهم • شماره ۳۸۳۲ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

ریختن آب پاکی بردستان روحانی؟

احمد غلامی - سردبیر



براساس تعاریف بازارمحور، دولت‌ها وظیفه بنیانی دارند تا اقتصاد و افکار عمومی را اداره کنند. اگر از کسانی که در آموذشد دولت‌های چهار دهه گذشته نقش داشته‌اند پرسیم کدام‌یک از دولت‌های چهار دهه گذشته توانسته‌اند براساس سیاست‌های بازارمحور اقتصاد و افکار عمومی را تا حدودی اداره کنند، بی‌تردید از دولت اصلاحات سخن به میان خواهد آمد؛ دولتی که توانست برای اولین‌بار بخش زیادی از جمعیت را در موقعیت بهنجاری قرار داده و ناهنجاری سیاسی و اقتصادی را کاهش دهد. این کاهش ناهنجاری و ایجاد رضایت در سوزهای اقتصادی و سیاسی موجب شد چند سالی جامعه‌ای باثبات شکل بگیرد و امید به آینده در قشرهای متنوع و متکثر مردم به وجود آید؛ اما در این زمان دولت اصلاحات با دوگانه‌ای روبه‌رو بود: دوگانه‌ای که نگذاشت این کاهش تعارضات و تنش‌ها، جامعه را به‌سوی دموکراتیزه‌شدن پیش ببرد. دوگانه‌ای به نام تکنولوژی انضباطی و امنیتی که آمده بود دولت اصلاحات را کنترل کند اما ماندگار نشد، در سیاست داخلی رسوب کرد و حتی بعد از آن موجب کنترل دیگر دولت‌ها شد. این دوگانه انضباط و امنیت در همه دولت‌ها به‌معنای خاص نقشی پررنگ ایفا می‌کند. انضباط حدود را تعیین می‌کند و امنیت باید شرایطی مهیا کند که دولت‌ها در مواجهه با سوزهای اقتصادی و سیاسی رفتارهای متناسب داشته باشند؛ همان چیزی که در تعریف دولت‌های بازارمحور از آن به‌عنوان اداره اقتصاد و افکار عمومی یاد کردیم. انضباط نقش بازدارندگی دارد و امنیت باید شرایط درهای باز را ایجاد کند. انضباط و امنیت به تعبیر فوکو از ارکان تکنولوژی قدرت‌اند؛ یعنی القای قدرت به جمعیت را عملی می‌کنند. اگر این تکنولوژی‌ها قادر به سازماندهی جمعیت باشند، دولت‌ها با تعارضات و تنش‌های کمتری روبه‌رو خواهند بود. در دوره چهار سال اول دولت اصلاحات، تکنولوژی امنیتی کارکرد خود را به‌درستی ایفا کرد. اقتصاد آرام‌آرام به‌سوی آزادی فعالیت‌های اقتصادی گام برمی‌داشت و آزادی فرد و کارفرما تا حدودی معنا می‌یافت. اگر تکنولوژی انضباطی مرکزمدار است و میل به مرکز دارد و محدود می‌کند اما امنیت مرکزگیز است، بسط و گسترش می‌دهد و مناصر جدید را به دولت‌های مداراکر القا می‌کند. تعارضات دولت خاتمی به دلایل سیاسی که زیرمجموعه‌ای از دلالت‌ها و منفعت‌های اقتصادی بود، در چهارساله دولت دوم رشد کرد و تکنولوژی امنیتی در تکنولوژی انضباطی ادغام شد. نکته ظریف در اینجاست که تکنولوژی انضباطی جایگزین امنیتی نشد. این دوگانه که قرار بود دو کار متفاوت را ایفا کنند با هم ادغام شدند و دولت خاتمی در دو سطح خرد و کلان زمین‌گیر شد. رئیس دولت دهم که به‌خود برسانخته این ادغام بود، به هیچ‌کدام تن نداد و به‌جز یکی، دو سال اول که در رودرباستی حامیان خود بود، دیگر سال‌ها به مواجهه با بنیان‌های این تکنولوژی‌ها برخاست و تلاش کرد از این تکنولوژی به نفع دولت خود سود برد و فرمانده این دو تکنولوژی حکومتی باشد. رئیس دولت دهم درست تشخیص داده بود، در اقتصاد بازارمحور آن‌هم از نوع رانتی آن برای تصمیم‌های آینده‌اش باید ابزاری می‌داشت تا کسانی خارج از دولتش نتوانند محدودش کنند. شرایط برای دولت‌های نهم و دهم مهیا بود. نفت در بالاترین قیمت به فروش می‌رسید و افکار عمومی نیز با همه مخالفت‌های که وجود داشت، در چنته رئیس دولت بود؛ اما رئیس این دولت با تمام تلاشی که کرد و حتی با استفاده از جریان‌های موجود در تکنولوژی‌های انضباطی و امنیتی نتوانست مهار این دوگانه را به دست بگیرد و عدم موفقیتش در این رقابت موجب بی‌اعتمادی و بی‌مناسکی حامیانش شد. در دولت روحانی تکنولوژی امنیتی این‌بار به شیوه استراتژیک به کمک روحانی آمد تا او را براریکه قدرت نباشاند. روحانی که خود سابقه امنیتی داشت، می‌دانست دولت‌های نهم و دهم با شکست در تصاحب این تکنولوژی‌ها به بی‌اعتمادی بسیاری دامن زده‌اند. روحانی با رهاکردن مسئولیت‌ها و نتایج به‌کارگیری تکنولوژی انضباطی در جامعه بر تکنولوژی امنیتی یافشاری کرد.

ادامه در صفحه ۲

شرکت ارتباطات زیرساخت

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

خانم مهین مغربی

کارمند شرکت ارتباطات زیرساخت

شرح در صفحه ۴